

فاطمه عليها السلام

نویسنده: دکتر جین دمن مک اولیف
(Dr. Gane Dammen Mc Auliffe)

ترجمه: دکتر محمد جواد اسکندرلو
بررسی و نقد: دکتر محمد علی رضائی اصفهانی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

چکیده



این مقاله شامل دو بخش است:
نخست: ترجمه مقاله «فاطمه»
(Fatima) خانم «جین دمن مک
اولیف» در دائرة المعارف قرآن لیدن.
که شامل گزارشی کوتاه از زندگی
فاطمه عليها السلام و جایگاه ایشان. سپس
سه آیه تطهیر (احزاب / ۳۳)، مباحله
(آل عمران / ۶۱) و آیه مربوط به
مریم عليها السلام (آل عمران / ۴۲) است که
با ذکر روایات تفسیری مربوط نتیجه
می‌گیرد که دو آیه نخست به
فاطمه عليها السلام و آیه سوم به جایگاه
مریم عليها السلام و فاطمه عليها السلام و مقایسه آن
دو مربوط است. وی در مورد آیه
تطهیر روایتی از عکرمه نقل می‌کند
که آن آیه تطهیر را در ارتباط با زنان


پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر کرده است.

دوم: بررسی و نقد مقاله نخست
کتابهای مربوط به فاطمه عليها السلام و آیات
ذکر می‌شود. سپس ۱۳۵ آیه که ذیل
آنها در مورد فاطمه روایت نقل شده
است بیان می‌گردد، آن گاه روایات
یاد شده به چند دسته «تفسیری»،
«تطبیقی»، «تأویلی» و «باطنی»، «شأن
نزولها» و «فضایل» تقسیم می‌شود.
در پایان برخی از مهم‌ترین آن
روایات از نظر مفسران و محدثان
شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار
می‌گیرد؛ از جمله: سوره کوثر و
آیات نذر در سوره انسان.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر، فاطمه،
تطهیر، مباحله، کوثر، جین دمن مک
اولیف، مستشرقان.

ترجمه مقاله فاطمه 


فاطمه یگانه فرزند محمد  و نخستین همسرش (خدیجه) است که پس از رحلت آنان زنده ماند. نام فاطمه  در قرآن نیامده است (۱)، اما در روایات تفسیری دوران باستان که به تفسیر پاره‌ای از آیات قرآن پرداخته‌اند، نام ایشان و شوهر و فرزندان برده شده است؛ به ویژه در اسلام تشیع، شخصیت فاطمه به عنوان نزدیک‌ترین پاره تن پیامبر، منبعی از شرح حال‌نگاری، فداکاری، دعا و توسل را پدید آورده است. (ن.ک. به: مدخل «شیعه و قرآن») (۲)



از میان آیات قرآن که مفسران (۳) به فاطمه  مربوط دانسته‌اند، مهم‌ترین آنها (۴) آیه ۳۳ سوره احزاب و آیه ۶۱ از سوره آل عمران می‌باشد. نخستین آیه به «اهل البیت» اشاره دارد که نوعاً و در خاص‌ترین مفهوم، «خاندان پیامبر» شناخته شده‌اند، یعنی محمد، فاطمه، شوهرش علی بن ابی‌طالب و






پسرانش حسن و حسین. (۵) (جلد ۱۲ تفسیر طبری، ص ۸ - ۶ نیز روایتی منسوب به عکرمه را آورده که «اهل البیت» را به همسران پیامبر تفسیر کرده است (۶) و جلد ۶ تفسیر زاد ابن جوزی، ص ۳۸۱؛ البته وی ترتیب نامها را به صورت برعکس ذکر نموده است.) روایاتی که به شرح پناه دادن (حقیقی یا نمادین) پیامبر به خاندانش زیر «کساء» پرداخته‌اند، عنوان دیگری (اهل الکساء) برای این گروه پنج نفره فراهم آورده‌اند، (تفسیر طبری ۱۲ / ۸ - ۷)، برای پی بردن به رابطه فاطمه و همسر پیامبر (عایشه) ن.ک. به: کتاب اسپلبرگ به نام Politics و نیز مدخل: عایشه بنت ابی‌بکر.


آیه ۶۱ از سوره آل عمران شامل تحدی [مباهله] است:

«بیایید ما پسران خود و شما پسران خود، زنان ما و زنان شما، خودمان و شما خودتان را فرا خوانید. آنگاه لعنت خدا بر دروغگویان را بطلیم» «ثُمَّ نَبْهَلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»

مفسران مسلمان که به بیان اسباب نزول پرداخته‌اند، این آیه را به حادثه‌ای مربوط دانسته‌اند که در آن پیامبر به جمعی از نصارای نجران پیشنهاد آزمایش سخت تحلیف متقابل (مباهله) را داد و برای تأکید بر صحت ادعاهای کلامی خود، به خاندانش از جمله فاطمه  عنوان گواه و ضامن اعطاء فرمود. (۷)

روایت تفسیری در مورد آیه ۴۲، سوره آل عمران: «و آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزید و پاک گردانید و بر زنان جهانیان - زنان زمانه - برگزید» این تمجید قرآنی از مریم (مادر عیسی) را با فاطمه  قائل شده، ربط داده است. راز این ارتباط، احادیث مختلفی است که در آنها محمد  فهرستی از زنان برجسته همه عصرها ارائه داده است: مریم، آسیه (همسر فرعون)، خدیجه و فاطمه (طبری، همان ۳ / ۲۶۳؛ رازی، تفسیر، ۸ / ۴۶)، اما اینها را با تفاسیر

شیعی همچون تفسیر ابوالفتح رازی، روح الجنان (۷ - ۳۶) و مولی فضل الله کاشانی، (منهاج، ۲ / ۲۲۴) مقایسه کنید که تأکید فراوانی بر برتری مطلق فاطمه  دارند. منابع شیعی به بررسی رابطه بین مریم  و فاطمه  پرداخته‌اند و از هر دو به عنوان زنان رنج کشیده یاد کرده‌اند. فاطمه  متحمل فوت پدر و مادرش، به طور همزمان یا به صورت متقدم، گردید و این بر پسرانشان رنج و سختی را وارد نمود. از این رو، رابطه‌ی روحانی آنها با یکدیگر در یکی از القاب فاطمه یعنی لقب «کبری» به هم پیوند خورده و بدینسان مریم  هم ملقب به مریم الکبری شده است (۸) (مک اولیف، کتاب «برگزیدگان» ص ۲۷؛ استواسر کتاب «زنان» ص ۸۰).

این رابطه بین فاطمه و مریم موجب شد که پژوهشگر مسلمان جدید فرانسوی (لونیس مسی گنان) تفسیر باطنی و معنوی ارائه دهد. سایر ویژگیهای شخصیت فاطمه 

در منابع مختلفی از آثار اختصاصی معاصران یافت می‌شود (بیوگرافی فاطمه الزهراء، ۱۱۸ - ۱۰۹؛ رحیم، فاطمه، ۱۸ - ۱۶)، و در مجموعه آثار سستی مربوط به «مالاکا» (ویرینگا، «سستی») و سرانجام در آثار انقلابی ایدئولوگ ایرانی، علی شریعتی (م: ۱۹۷۷). (۹)

نقد و بررسی:

درآمد

خانم دکتر جان دمن مک اولیف، دائرة المعارف قرآن لیدن (Gane Dammen Mc Auliffe) در Encyclopaedia Of The Quran- (Eq) (ج ۲، ص ۱۹۳ - ۱۹۲) مقاله‌ای با عنوان «فاطمه» (Fatima) نگاشته است که از دو جهت قابل بررسی است.

نخست: نقاط قوت مقاله

الف: نویسنده به درستی بر فضایل فاطمه تأکید می‌کند، از جمله اینکه: فاطمه علیها السلام یگانه فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بود که بعد از وفات حضرت رسول زنده ماند.

ب: در مقاله از منابع تفسیری شیعه

و اهل سنت استفاده شده است.

ج: رویکرد مثبت و به نسبت منصفانه‌ای بر مقاله حاکم است.

دوم: نقاط ضعف مقاله

الف: مقاله تنها به ۳ آیه در مورد حضرت فاطمه علیها السلام اشاره می‌کند، با این که ذیل ۱۳۵ آیه در مورد حضرت فاطمه علیها السلام روایت نقل شده است. (ر.ک. به: ادامه همین مقاله، پی‌نوشت ۳ ر.ک.)، از این رو مقاله ناقص است و نویسنده همه آیات و روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام را نقل و بررسی نکرده است، حتی فهرست کاملی از آنها نیاورده است.

ب: برخی شبهات مثل روایت عکرمه ذیل آیه تطهیر (احزاب / ۳۳) را نقل کرده، ولی پاسخهای داده شده به آنها را بیان نکرده است.

بررسی تفصیلی مقاله:

۱- در آیات متعددی از قرآن به فاطمه علیها السلام اشاره شده است، اما نام وی مانند نام امامان معصوم علیهم السلام در قرآن کریم نیامده است. زیرا:

۱) قرآن در پی نام بردن از صحابیان و بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله نبود؛ مگر در موارد استثنائی مثل داستان زید (احزاب / ۳۷) و ابولهب (مسد / ۱) که برای بیان مطلبی (همچون حکم ازدواج زید و نفرین بر ابولهب) ذکر نام آنها ضرورت داشت. از این رو در موارد متعددی، با این که مطالب مربوط به زنان پیامبر و منافقان مشهور در قرآن آمده است، ولی نامی از آنها برده نشده است. (ن.ک. به: سوره تحریم، سوره منافقین، و...)

۲) نام بردن از افراد موجب انگیزش حب و بغضهای متعدد و زمینه‌ساز تحریف قرآن می‌شود.

۳) در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام در مورد نیامدن نام علی و اهل بیت علیهم السلام در قرآن پرسش شد

و ایشان به نماز اشاره کرد که حکم آن در قرآن نازل شد، ولی از سه یا چهار رکعت بودنش نامی به میان نیامد و خود رسول خدا این قسمت را برای آنان تفسیر کرد (وافی، ۲ / باب ۳۰) (ما نص الله ورسوله علیهم).

۲- کتابهای حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت، از کهن‌ترین منابعی است که در مورد فاطمه علیها السلام مطالبی بیان کرده‌اند، این مطالب بیشتر از پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام و اصحاب بیان شده است. علاوه بر کتب اربعه شیعه و صحاح سه اهل سنت و منابع حدیثی دیگر همچون بحارالانوار علامه مجلسی که یک جلد آن به احادیث مربوط به فاطمه علیها السلام اختصاص یافته است، صدها کتاب در مورد فاطمه علیها السلام نگاشته شده است. آقای اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی در کتاب «فاطمه در آئینه کتاب» بیش از ۲۰۰۰ کتاب را نام می‌برد که در مورد شخصیت فاطمه علیها السلام نگاشته شده است.

۳- در موضوع آیات مربوط به فاطمه علیها السلام علاوه بر کتابهای روایی

و تفسیری، کتابهای مستقلی نگاشته شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱) عبدالحسین بن محمد علی خوشنویس اصفهانی در کتاب «التحفة الفاطمیة فی احوال سیدة النساء فاطمة الزهراء و مناقبها و مصائبها» (فارسی - ۱۳۲۸ ش) ده آیه قرآن را درباره فاطمه علیها السلام مورد بحث قرار داده است.

۲) ابوالفضل واصف در کتاب «فاطمه زهرا از نظر آیات قرآن» (۱۳۵۱ ش) سی آیه را منطبق با شأن فاطمه علیها السلام می‌داند که بر آن حضرت تأویل یا تطبیق شده‌اند. نویسنده برای اثبات مدعای خود از روایات دو فرقه و نظرات مفسران بهره برده است.

۳) سید صادق شیرازی در کتاب «فاطمه الزهراء فی القرآن» (۱۳۷۹ ش) آیات مربوط به فاطمه را به ترتیب سوره‌ها، از شصت و هفت سوره گردآوری کرده است، در این کتاب بیشتر از منابع روایی اهل سنت با حذف استناد بهره گرفته شده و تفسیر، تأویل یا شأن نزول آیات بیان شده است.

۴) عبدالحسین قدسی خوش‌نویس، در کتاب «ده گفتار پیرامون سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم» (تحفه فاطمیة) با تحقیق سید جواد میرشفیعی خوانساری (۱۳۷۹ ش) به بررسی ده آیه قرآن می‌پردازد که شأن نزول آنها مربوط به فاطمه علیها السلام است، یا ارتباط آشکاری با حضرت دارد و مقامات فاطمه علیها السلام را روشن می‌سازد. نویسنده با بیان تفسیر آیات و احادیث مربوط به آنها، به تفصیل به تاریخ زندگی فاطمه علیها السلام نیز پرداخته است.

۵) شیخ علی حیدر مؤید، در کتاب «فضائل فاطمة الزهراء فی الذکر الحکیم» (۱۳۸۰) به شرح و تفسیر ۱۳۵ آیه می‌پردازد که در شأن فاطمه علیها السلام نازل شده یا تفسیر و تأویل آنها مربوط به حضرت است. انگیزه وی از انتخاب عدد ۱۳۵ آن است که نام فاطمه علیها السلام بر اساس حروف ابجد ۱۳۵ می‌شود. ایشان آیات را به ترتیب سوره‌های قرآن آورده و از جوامع روایی فریقین استفاده کرده است.

۶) سید محمدعلی حلوی، در

کتاب «ما نزل من القرآن فی شأن فاطمة الزهراء علیها السلام» (۱۴۲۱ق) بیش از شصت آیه در مورد فاطمه علیها السلام ذکر کرده است. وی به احادیث شیعه و اهل سنت در این موارد استناد می‌کند.

۷) آقای محمد سند در کتاب «مقامات فاطمة الزهراء فی الکتاب و السنه» که توسط سید محمد علی حلوی بازنویسی شده است (۱۴۲۲ق) به بررسی ده مقام از مقامات معنوی فاطمه از نظر قرآن و حدیث پرداخته است. از جمله فضایل فاطمه علیها السلام را در بیش از شصت آیه قرآن بررسی کرده است.

۸) سید عبدالحسین شرف‌الدین، در کتاب «الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء» (۱۳۷۸ ش) که توسط خانم خدیجه مصطفی با عنوان «بانوی بهشت» به فارسی ترجمه شده است، دلایلی از قرآن و سنت برای اثبات برتری حضرت زهرا علیها السلام بر سایر زنان ذکر کرده است.

هم چنین از این آثار می‌توان نام برد: حبیب الله کاشانی، تفسیر سوره انا عطیناک الکوثر (فارسی)

کوثر ربانی، تفسیر سوره مبارکه کوثر (فارسی)

عباس راسخی نجفی، سوره‌ی کوثر، جلالت حضرت فاطمه (فارسی، ۱۳۷۱ ش)

سید محمد باقر موسوی، سوره قدر، جلوگاه ولایت (فارسی، ۱۳۷۶ ش)

عبدالحسین قدسی، سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن، با تحقیق سید جواد میرشفیعی خوانساری (فارسی، ۱۳۷۹ ش)

عبدالحسین اشعری، سیمای فاطمه زهرا، در قرآن و عترت (فارسی، ۱۳۷۴ ش)

محمد واصف، فاطمه زهراء از نظر آیات قرآن (فارسی، ۱۳۵۱ ش)

رضا رهنما، القدر، (تفسیر سوره قدر در مورد حضرت زهرا - فارسی - ۱۳۶۳ ش)

محسن کازرونی، کوثر قرآن، (فارسی - ۱۳۷۰ ش)

سید عادل علوی، فاطمه الزهراء لیلة القدر (عربی - ۱۴۱۶ ق)

تعدادی کتاب فارسی و عربی نیز در مورد آیات مربوط به فاطمه وجود دارد که به صورت خطی

مانده و چاپ نشده است. (ن.ک. به: انصاری زنجانی خونینی، اسماعیل، فاطمه در آینه کتاب، ص ۲۱۶ و...) و تعدادی کتاب نیز در همین موضوع به زبانهای دیگر وجود دارد. (همان، ۷۷۸ به بعد).

۴- در مورد شمارگان آیات مربوط به فاطمه عليها السلام نظرات متفاوتی ارائه شده است. گاهی از شصت آیه در چهل و یک سوره (ن.ک. به: سند، محمد، مقامات فاطمه الزهراء فی الكتاب والسنة؛ حلوی، سید محمد علی، ما نزل من القرآن فی شأن فاطمه الزهراء) و گاهی از صد و سی و پنج آیه در شصت و هفت (ن.ک. به: شیرازی، سید صادق، فاطمه الزهراء عليها السلام فی القرآن؛ فضائل فاطمه الزهراء فی الذکر الحکیم) سوره نام برده‌اند. علل این اختلاف را می‌توان در چند مطلب جست و جو کرد:

اول: نوع انتساب آیات به فاطمه، که گاهی شأن نزول آیات به ایشان مربوط بود و گاهی تأویل و بطن آیه به فاطمه مربوط می‌شد و زمانی آیه به ایشان تفسیر می‌شد یا فاطمه

از مصادیق آن شمرده می‌شد و به اصطلاح تطبیق می‌شد.

دوم: برخی بخشهای آیات مخصوص فاطمه است، مثل واژه «نساء» در آیه مباهله. (آل عمران/ ۶۱) برخی آیات هم در مورد اهل بیت عليهم السلام است که فاطمه از جمله آنهاست، مثل آیه تطهیر (احزاب / ۳۳) و آیات نذر (انسان، ۶ - ۱۰). علاوه بر آن، انتساب بسیاری از آیات به فاطمه بر اساس احادیثی است که از نظر صحت و سند و دلالت، در مراتب مختلفی قرار دارند و گاهی برخی از آنها مورد پذیرش همگان قرار گرفته و برخی چنین نبوده است (ادامه همین مقاله)؛ بنابراین عوامل و بر اساس نوع انتخاب و گزینش نویسندگان، تعداد آیات مربوط به فاطمه کم یا زیاد حکایت شده است.

ما می‌خواهیم فهرست کاملی از آیات مربوط به ایشان ارائه کنیم، و به دستبندی آنها بپردازیم، ولی چون بررسی همه آیات از حوصله این نوشتار خارج است، مهم‌ترین آنها را بررسی و تحلیل می‌کنیم:

البته خانم دکتر «جین دمن مک اولیف» سر ویراستار دائرةالمعارف قرآن «لایدن» در مقاله «فاطمه عليها السلام» می‌نویسد مفسران دو آیه ۶۱ / آل عمران (آیه مباهله) و ۳۳ / احزاب (آیه تطهیر) را مهمترین آیات مربوط به فاطمه می‌دانند، ولی با توجه به مطالب گذشته و فهرست آیاتی که به دنبال می‌آید، روشن می‌شود شمارگان آیات بسیار بیشتر است و مفسران قرآن بر آیات دیگری همچون آیات نذر سوره دهر و سوره کوثر تأکید کرده‌اند.

آیات مربوط به فاطمه عليها السلام در منابع فریقین

در مجموع یکصد و سی و پنج مورد در آیات مربوط به فاطمه شمرده شده است؛ هر چند برخی از این موارد بیش از یک آیه است یا گاهی در یک آیه، دو موضوع به فاطمه عليها السلام مربوط است. این موارد عبارت‌اند از:

حمد/ ۱ و ۶؛ بقره/ ۳ - ۳۱ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۷ و ۶۰ و ۸۲ و ۹۷ - ۹۸ و ۱۲۴ و ۱۳۶ - ۱۳۸ و ۲۳۸ و ۲۸۵؛ آل عمران/ ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ و ۴۳ - ۴۲

و ۶۱ و ۱۰۳ و ۵ - ۱۹۱؛ نساء/ ۱۱ و ۲۹ و ۳۱ و ۶۹ و ۷۰؛ انعام/ ۵۹ و ۱۴۹؛ اعراف/ ۴۶ و ۱۲۸ و ۱۵۷ و ۱۶۰؛ انفال/ ۴۱ و ۷۵؛ توبه/ ۳۶ و ۱۰۰ و ۱۱۱؛ یونس/ ۴ - ۶۳؛ هود/ ۴۶؛ یوسف/ ۸۵؛ رعد/ ۲۹؛ ابراهیم/ ۵ - ۲۴؛ حجر/ ۴ - ۴۳ - ۸ - ۴۵؛ نحل/ ۹ - ۵۸ و ۹۰؛ اسراء/ ۱ و ۵ - ۶ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۸ و ۵۷ و ۷۱؛ کهف/ ۵۰ و ۸۲؛ مریم/ ۱ و ۵؛ طه/ ۱۱۵ و ۱۳۲؛ انبیاء/ ۱۰۲ - ۱۰۳؛ حج/ ۴۰؛ مؤمنون/ ۱ - ۱۱ و ۱۱۱؛ نور/ ۳۵ و ۸ - ۳۶ و ۶۳؛ فرقان/ ۲۰ و ۵۴ و ۷۴؛ شعراء/ ۲۱۹ و ۲۲۷ و ۲۲۷ (صدر و ذیل آیه)؛ نمل/ ۱۶؛ روم/ ۴ - ۵ و ۳۸؛ سجده/ ۱۶ و ۲۴؛ احزاب/ ۳۳ و ۳۵ و ۲ - ۴۱ و ۵۶ و ۷۲؛ فاطر/ ۲۲ - ۱۹ و ۵ - ۳۴؛ یس/ ۱۲؛ صافات/ ۸۳ - ۸۴؛ ص/ ۷۵؛ زمر/ ۵۳ و ۶۵؛ شوری/ ۱ - ۲ و ۲۳؛ زخرف/ ۶۸؛ دخان/ ۱ - ۴؛ جاثیه/ ۲؛ احقاف/ ۱۵ و ۱۵ (دو بخش آیه)؛ محمد/ ۱۱؛ فتح/ ۱۰؛ حجرات/ ۱۳؛ ق/ ۲۴؛ ذاریات/ ۱۸ - ۱۷؛ طور/ ۲۰ - ۱۷ و ۴ - ۲۱؛ نجم/ ۵ - ۱ و ۸؛ الرحمن/ ۲۲ - ۱۹؛ واقعه/ ۱۲ - ۸

مجادله/ ۱ و ۱۰؛ حشر/ ۷ و ۹؛ جمعه / ۱۱؛ تحریم / ۸ و ۱۲؛ معارج / ۱؛ مدثر ۳۶ - ۳۵؛ دهر ۳۱ - ۳۱؛ عیس / ۹ - ۳۸؛ انفطار/ ۸ و ۱۴ - ۱۳؛ مطففین/ ۱۳ و ۲۱ - ۱۸ و ۲۲ و ۸ - ۲۷؛ طارق / ۱۷ - ۱۰؛ فجر / ۳ - ۱ و ۳۰ - ۲۷؛ شمس / ۴ - ۱؛ لیل / ۷ - ۳؛ ضحی / ۵؛ قدر / ۵ - ۱؛ بینه / ۷؛ قارعه / ۷ - ۶؛ عصر / ۳ - ۱؛ کوثر / ۳ - ۱؛ نصر / ۳ - ۱. (ن. ک. به: فضائل فاطمه الزهراء فی الذکر الحکیم...)

با بررسی آیات مربوط روشن می‌شود که بیشتر آیات بالا بر اساس احادیث ذکر شده به فاطمه علیها السلام مربوط است، البته برخی از آیات از باب شأن نزول و تطبیق بر مصادیق و برخی هم از باب تأویل و بطن آیات است.

۵- آیه سی و سوم سوره احزاب از آیاتی است که در شأن اهل بیت علیهم السلام از جمله فاطمه علیها السلام نازل شده است. (ادامه همین مقاله) خدای متعال در این آیه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

شأن نزول آیه در منابع شیعه و اهل سنت بارها چنین حکایت شده است: پیامبر، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و عباي خویش را روی آنان انداخت و دستهایش را بلند کرد و گفت: خدایا اینها خاندان من هستند. ام سلمه همسر پیامبر خواست به آنان ملحق شود، ولی پیامبر نپذیرفت، سپس آیه بالا فرود آمد و بیان کرد که خدا می‌خواهد پلیدی را تنها از شما اهل بیت بزدايد و شما را کاملاً پاک سازد. از ابن عباس حکایت شده است: ما شاهد بودیم که پیامبر طی نه ماه، هر روز بر در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام هنگام وقت هر نماز می‌آمد و می‌گفت: سلام و رحمت خدا بر شما باد، و آیه تطهیر را تلاوت می‌کرد و به نماز توصیه می‌نمود. ^(۱)

این شأن نزول با الفاظ مختلف توسط پیامبر، علی، فاطمه، حسن، حسین، سجاد، علی بن موسی الرضا و بسیاری از صحابه همچون ابن عباس، انس بن مالک، ابو سعید الخدری، ابو درداء، ابو هریره، سلمان، جابر بن عبد الله انصاری،

سعد بن ابی وقاص، عائشه، صفیه، ام سلمه و زینب (ام المومنین) حکایت شده است. ^(۲) ترمذی (م: ۲۷۹ ق) حدیث ام سلمه را صحیح می‌داند و تأکید می‌کند که آن بهترین چیزی است که در این باب روایت شده است. (ترمذی، سنن، ۵ / ۴۶۶) حاکم نیشابوری (م: ۴۰۵ ق) هم این حدیث را صحیح دانسته است. (المستدرک، ۳ / ۱۴۸)

و حاکم حسکانی آن را با طریق مختلف در ضمن یکصد و سی و هشت حدیث آورده است (شواهد التنزیل، ۲ / ۱۰ - ۹۲) و امام فخر رازی (م: ۶۰۴ ق) (مفاتیح الغیب، ۸ / ۸۹) و نیشابوری (م: ۷۲۸ ق) (غرائب القرآن، ۲ / ۱۷۸) ادعای اتفاق اهل تفسیر و حدیث بر صحت حدیث فوق کرده‌اند و ابوبکر حضرمی ادعای اجماع امت بر اهل بیت بودن اصحاب کساء دارد. (الکشف و البیان، ۸ / ۳۸)

ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) نیز حدیث عایشه و ام سلمه در این باره را صحیح می‌داند. (منهاج السنة، ۴ / ۲۰)

و ۲ / ۲۵۰)

علمای شیعه نیز احادیث بسیاری در این مورد حکایت کرده‌اند. (صافی، ۴ / ۱۸۷ از عیاشی، کافی، خصال، و الکمال نقل می‌کند و نیز تفاسیر دیگر شیعه ذیل آیه، مثل: مجمع البیان، تبيان. المیزان و نمونه....) این احادیث در کتاب «آیه تطهیر فی الحدیث الفریقین» توسط سیدعلی موحد ابطحی جمع آوری شده است. ایشان از طریق پنجاه نفر از صحابه و سیزده نفر از تابعان و ائمه اثنی عشر و فاطمه علیها السلام مطلب بالا را حکایت کرده است (آیه تطهیر فی احادیث الفریقین، ۷۹ - ۴۰۰) و نیز به بررسی تطبیقی آیه فوق از نظر شیعه و اهل سنت پرداخته‌اند. (ن. ک. به: تفسیر تطبیقی آیه تطهیر، از دیدگاه مذهب اهل بیت و اهل سنت، ابلقار، اسماعیل زاده): بنابراین مصداق خاص آیه تطهیر، فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان اوست و این مطلب از روایات متعدد شأن نزول و سیاق آیات به دست می‌آید، چرا که از طرفی بر اساس احادیث ام سلمه درخواست

کرد داخل اصحاب کساء شود، ولی پیامبر نپذیرفت. (این مطلب از خود ام سلمه و زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده است. ن.ک. به: جامع البيان، ۱۲ / ۷؛ الدر المنثور، ۶ / ۶۰۴؛ مشکل الآثار، ۱ / ۲۳۰ و...) از طرف دیگر آیه تطهیر در میان مجموعه‌ای از آیات واقع شده است که همگی در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند و تمام ضمایر جملات قبل و بعد آیه تطهیر مونث است (در مجموع ۲۲ ضمیر مؤنث از آیات ۲۸ - ۳۴ سوره احزاب به کار رفته است و فقط دو ضمیر مذکر «کم» در آیه تطهیر هست)، اما ضمایری که در آیه تطهیر به کار رفته، همه مذکرند، چون اکثر اصحاب کساء مرد بودند. از این رو می‌توان گفت آیه تطهیر (بخش خاص مورد نظر آیه ۳۳ / احزاب) جمله معترضه‌ای است که میان مجموعه آیات مربوط به پیامبر قرار گرفته است. جالب این که لحن آیات قبل و بعد همراه با سرزنش و تهدید است، اما لحن آیه تطهیر مؤدبه و ستایش است. از این رو بسیاری از علمای اسلام و مفسران آیه تطهیر

را منحصر در اصحاب کساء می‌دانند (از جمله: احمد بن حنبل، شافعی، شوکانی، سخاوی، حافظ گنجی، ثعلبی، ابن حجر هیثمی، (الکشف و البیان، ۸ / ۴۰ - ۳۹)؛ ترمذی، سنن، ۵ / ۴۳۴)؛ ابن مردویه مناقب، علی بن ابی طالب علیه السلام، ۳۰۱). و دیدگاه کسانی را که آیه تطهیر را شامل اصحاب کساء و همسران پیامبر می‌دانند، (ن.ک. به: اضواء البیان، ۴ / ۱۸۴، تفسیر قرطبی، ۱۴ / ۱۶۳؛ تفسیر البغوی، ۴ / ۳۵۰؛ الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن ۲ / ۵۷۳؛ التفسیر المنیر، ۲۱ / ۲۸۸؛ المحرر الوجیز، ۱۲ / ۶۲)، مردود می‌شمارند (شیخ طوسی، التبیان فی التفسیر القرآن، ۸ / ۳۴۰ - ۳۴۱؛ شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۸ / ۵۶۰؛ تفسیر ابوالفتح رازی، ۱۵ / ۴۱۷؛ محمد جواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ۶ / ۲۱۸؛ میزان، ۱۶ / ۳۰۹؛ نمونه، ۱۷ / ۲۴۹)، زیرا این دیدگاه با احادیث شأن نزول و سیاق ناسازگار است. با توجه به مطالب قبل روشن شد که آیه تطهیر بر عظمت فاطمه

دلالت دارد، زیرا:

اولاً: فاطمه عليها السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده است و این امتیازی است که حتی شامل زنان پیامبر در این آیه نشده و شأن نزول و واژه «انما» (این است و جز این نیست = فقط) در آیه بر این مطلب دلالت می‌کند.

ثانیاً: اراده تکوینی خدا بر آن تعلق گرفته است^[۳] که اهل بیت عليهم السلام از جمله فاطمه را از پلیدی و گناهان پاک سازد و این مطلب بر عصمت فاطمه دلالت دارد، چرا که مقصود از اراده در اینجا اراده تشریعی نیست^[۴] که تخلف‌پذیر باشد و واژه پلیدی، به ناپاکیهای طبیعی، عقلی، شرعی یا به هر سه گفته می‌شود (راغب، مفردات، واژه رجس)، به عبارت دیگر به پلیدی ظاهری مثل پلیدی خوک و پلیدی معنوی و باطنی مثل شرک و کفر و آثار عمل بد، اطلاق می‌شود. (ن.ک. به: میزان، همو، ۱۶ / ۳۱۲) و در قرآن کریم به هر دو نوع پلیدی گفته شده است،^[۵] از این رو شامل هر نوع گناه می‌شود.

همان‌طور که در برخی احادیث به این مطلب اشاره شده است. (الموحد الابطحی، سید علی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ۱ / ۳۵۵ - ۳۵۶)

پس آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت دلالت می‌کند،^[۶] و این ویژگی مخصوص فاطمه، پدرش، شوهرش و فرزندان معصوم اوست.

۶- در این مورد روایتی از «ابن عباس» حکایت شده است که آیه تطهیر در مورد زنان پیامبر به طور خاص نازل شده است. (فتح القدر، ۴ / ۳۲۷؛ الدر المنثور، ۶ / ۶۰۳) همین شبهه به دائرة المعارف قرآن لایدن نیز سرایت کرده و خانم جین دمن مک اولیف در مقاله‌ی «فاطمه عليها السلام» این روایت عکرمه را در مورد زنان پیامبر از برخی منابع اهل سنت حکایت کرده است.^[۷]

در مورد عکرمه دو احتمال مطرح شده است:

اول: او کذاب و متهم به هواداری از خوارج است و بر این عباس دروغ می‌بست. (میزان الاعتدال، ۳ / ۹۵ - ۹۳؛ تهذیب

الکمال، ۱۳ / ۱۷۹؛ تهذیب التهذیب، ۲۳۰ / ۷.

دوم: «عکرمه» شاگرد خاص ابن عباس و از دوستان اهل بیت علیهم السلام بود و روایت شأن نزول آیه تطهیر در مورد اصحاب کساء از او گذشت. پس برخی مطالبی مثل روایت اخیر را به دورغ به عکرمه نسبت داده‌اند. (التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ۱ / ۳۶۲ - ۳۶۸).

در هر صورت روایت عکرمه از ابن عباس معتبر نیست و نمی‌تواند در برابر روایات زیادی که شأن نزول اصحاب کساء را نقل کرده‌اند، ایستادگی کند. از نظر دلالت نیز این روایت مشکل دارد، چرا که کلمه «خاصه» در آن است، یعنی آیه تطهیر مخصوص همسران پیامبر نازل شده است، در حالی که الفاظ آیه با این مطلب ناسازگار است، زیرا اگر آیه تطهیر در مورد زنان پیامبر بود، مثل آیات قبل و بعد، ضمیرهای آن مونث می‌شد، و این مطلب - همانطور که گذشت - با روایات خود همسران پیامبر در شأن نزول آیه ناسازگار است.

در این مورد ادعاهای ضعیف دیگری نیز شده است که به خاطر اختصار از آنها صرف نظر می‌کنیم.^[۸] ۷ - یکی از آیاتی که شأن نزول آن مربوط به فاطمه نیز است و تفسیر فرازی از آن در مورد ایشان شده است، آیه ۶۱، آل عمران است و آیه «مباهله» خوانده می‌شود.

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

واژه «مباهله» در اصل به معنای تضرع و زاری است و در اصطلاح به معنای آن است که دو نفر همدیگر را لعن و نفرین و درخواست عذاب و بلا کنند و از خدا بخواهند دروغگو را رسوا سازد. (جوهری، الصحاح؛ معجم المقایس اللغة، ماده «بهل» و تفاسیر قرآن، ذیل: نساء، ۶۱)

شأن نزول گروهی از مسیحیان نجران خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و درباره عیسی علیه السلام گفت‌وگو کردند و

قرار شد فردا با هم مباحله کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام در صحنه حاضر شد و بدین مناسبت آیه مباحله فرود آمد و عظمت شأن علی علیه السلام - جان و نفس پیامبر - و فاطمه مصداق «نساننا» - را نشان داد و با آنکه پیامبر در آن زمان همسرانی داشت، هیچ کدام را به صحنه مباحله نبرد.

زمخشری (م: ۵۳۸ هـ) معتقد است: هیچ دلیلی قوی‌تر از این آیه بر فضیلت علی و فاطمه و حسن و حسین نیست (الکشاف، ۱ / ۳۷۰). ذیل آیه) و نیز آلوسی می‌گوید: دلالت آیه بر فضیلت آل پیامبر برای هر مؤمنی بی تردید است (روح المعانی، ۳ / ۱۶۷).

اصل شأن نزول فوق بیش از پنجاه و یک طریق و از سی و نه نفر از اهل بیت علیهم السلام و صحابیان و تابعان حکایت شده است (سعد السعود، ۱۸۲)^[۹] حتی ابوبکر جصاص (م: ۳۷۰ هـ) ادعا کرده است که راویان تاریخ و ناقلان آثار و اخبار هیچ

گونه اختلافی در مورد آن ندارند (احکام القرآن، ۲ / ۲۳) و ترمذی (م: ۲۷۹ هـ) این روایات را صحیح می‌داند (ترمذی، ۵ / ۲۵، کتاب التفسیر، رقم ۲۹۹۹).

عامر فرزند سعد بن ابی وقاص از پدرش حکایت می‌کند که سعد در برابر معاویه ایستاد و به دستور او برای ناسزا گفتن به علی عمل نکرد و به سه فضیلت علی استدلال کرد: از جمله اینکه هنگامی که آیه مباحله نازل شد، رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسینی علیهم السلام را به حضور طلبید و فرمود: خدایا اینها اهل من هستند (صحیح مسلم، ۱۵ / ۱۸۵؛ سنن ترمذی ۵ / ۴۰۷، مضمون این گفتار پیامبر از طرق دیگر در منابع متعدد حکایت شده است از جمله: زاد المسیر، ۱ / ۳۲۴؛ کشف الاسرار، ۲ / ۱۵۱؛ جامع التفسیر من کتب الاحادیث، ۱ / ۳۷۰ ...)

ابن تیمیه (م: ۷۲۸ هـ) نیز اصل مباحله و بردن علی، فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را می‌پذیرد و آن را حدیث صحیح می‌داند و توجیه می‌کند که اینها قریب‌ترین افراد

نسبت به پیامبر بودند (منهاج السنة، ۱۱۸/۲).

شان نزول آیه مباهله با توجه به کثرت روایات و منابع آن در شیعه و اهل سنت و گواهی افراد متعدد بر صحت آنها، معتبر خواهد بود و تنها مصداق واژه «نسانا» در این آیه بر اساس احادیث فوق فاطمه است، به عبارت دیگر آیه از طریق تفسیر روایی بر فاطمه علیها السلام دلالت دارد، همانطور که با توجه به شأن نزول فقط بر ایشان تطبیق می‌شود. در نتیجه واژه «نسانا» در آیه مباهله هیچ تفسیر دیگری جز فاطمه ندارد و این عظمت بانوی اسلام را ثابت می‌کند، چرا که تنها زنی که لایق همراهی پیامبر در جریان خطیر مباهله شد، فاطمه بود، همان‌طور که این آیه به درجه بالای ایمان فاطمه علیها السلام و راستگویی او اشاره دارد که در جریان خطیر مباهله و نفرین به مخالفان شرکت کرد، چون افرادی در مباهله شرکت می‌کنند که کاملاً به مکتب خود ایمان داشته و صادق باشند.

۸- در آیه قرآن آمده است:

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران / ۴۲)؛ «و (به یاد آرید) هنگامی که فرشتگان گفتند: «ای مریم! در حقیقت خدا تو را برگزیده و تو را پاک ساخته؛ و تو را بر زنان جهانیان، (برتری داده و) برگزیده است.»

روایات زیادی از شیعه و اهل سنت در ذیل آیه نقل شده است که بر اساس آنها با فضیلت‌ترین زنان جهان چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه همسر فرعون (سیوطی، الدر المنثور، ۲ / ۱۹۳؛ احمد بن حنبل، مسند، ۲ / ۵۱۱ و...).

در روایات دیگری از شیعه و اهل سنت به این صورت نقل شده است: «سرور زنان جهان و سرور زنان امت اسلام و سرور زنان مؤمنان و سرور زنان در روز قیامت فاطمه علیها السلام است» (بخاری، صحیح، ۴ / ۲۴۸؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ۳ / ۱۵۶؛ ابن نعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ۲ / ۴۲ و...).

این حدیث را حاکم و ذهبی صحیح دانسته‌اند (المستدرک،

همان) و به خوبی گفته است که اتفاق علماء بر صحت این حدیث وجود دارد (شرح السنه، ج ۸، ص ۱۲۲) و جالب آن که این حدیث در صحیح بخاری از عایشه نقل شده است، اما در مورد حضرت مریم علیها السلام که در آیه ۴۲ / آل عمران او را برگزیده زنان جهان معرفی کرد، بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت برآنند که مریم بر زنان زمان خویش برگزیده شد. همین مطلب از ابن عباس و سبیدی نقل شده است. (عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، ۱ / ۳۱۵؛ سیوطی، همان، ۲ / ۱۹۴؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۲ / ۶۴۷؛ آلوسی، روح المعانی، ۳ / ۱۳۸، سورآبادی، تفسیر، ۱ / ۲۸۱)

بنابراین برتری مطلق فاطمه علیها السلام تنها دیدگاه مفسران شیعه نیست، بلکه در احادیث و تفاسیر اهل سنت فراوان آمده است.

۹- با بررسی مقاله روشن می‌شود که خانم مک اولیف فقط به سه آیه در مورد فاطمه علیها السلام اشاره کرده است، اما همان طور که

گذشت ذیل یکصد و سی و پنج آیه قرآن روایات تفسیری و غیر تفسیری در رابطه با فاطمه علیها السلام نقل کرده‌اند، البته این آیات و روایات دلالت یکسان ندارد؛ برخی تفسیری، برخی تأویلی، برخی شأن نزول، برخی تطبیق، برخی از باب فضایل فاطمه علیها السلام است.

برخی از مهم‌ترین آیات و شیوه دلالت و استفاده از آنها عبارت‌اند از:
الف: تفسیر سوره کوثر به فاطمه علیها السلام:

یکی از سوره‌های قرآن که شأن نزول آن مربوط به فاطمه است و آیه‌ای از آن بر فاطمه و فرزندان او تطبیق و تفسیر شده، سوره کوثر است. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَكْثَرُكُمْ وَأَخْزَرُكُمْ إِنَّا أَكْثَرُكُمْ وَأَخْزَرُكُمْ﴾

کوثر پانزدهمین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شد (دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث ۵/۲؛ معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ۱/۱۳۵) و در چینش کنونی صد و هشتمین سوره است و از سوره‌های مکی به شمار می‌آید.^[۱۰] ماجرای نزول سوره اینگونه

حکایت شده است: یکی از سران مشرکان به نام «عاص بن وائل» هنگام خارج شدن پیامبر از مسجد الحرام، با او ملاقات و صحبت کرد، سپس وارد مسجد الحرام شد و هنگامی که مشرکان از او پرسیدند با چه کسی صحبت کردی؟ گفت: با این مرد «ابتر» (دم بریده، کسی که پسر ندارد و نسل او قطع شده است)!

سوره فوق بدین مناسبت فرود آمد (سیوطی، جلال الدین، در المثنوی، ۶ / ۴۰۳؛ مجمع البیان، ۱۰ / ۵۴۹؛ اسباب النزول ابی الحسن علی بن احمد النیشابوری / ۲۷۰) و پیامبر یادآوری کرد که ما کوثر (= خیر فراوان) به تو دادیم، پس برای پروردگارت نمازگزار و (شتر) قربانی کن، که فقط (دشمن) کینه‌توز تو بریده نسل است.

البته افراد دیگری همچون ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، کعب بن اشرف، (روح المعانی) ابولهب (حدائق الروح والریحان، ۳۲ / ۳۷۵؛ الجواهر، ۲۵ / ۲۷۶؛ نیشابوری، غرائب القرآن، ۶ / ۵۷) نیز از واژه «ابتر» علیه پیامبر استفاده کردند. از این رو گفته شده است که این سوره

در پاسخ همه آنها، به ویژه عاص بن وائل، نازل شد که بارها این واژه را تکرار می‌کرد. (حدائق الروح والریحان، ۳۲ / ۳۷۵؛ الجواهر، ۲۵ / ۲۷۶؛ نیشابوری، غرائب القرآن، ۶ / ۵۷).

واژه «کوثر» در اصل به معنای «کثرت، عدد زیاد و خیرکثیر» است. (مصباح اللغة، ومقایس اللغة، ماده «کثر» والتحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ۱۰ / ۲۷ - ۲۹)

برخی مفسران با توجه به ذیل سوره (ان شائک هو الابتر) آن را به نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله که از فاطمه علیها السلام است، تفسیر کرده‌اند. (مجمع البیان، طبرسی، ۱۰ / ۵۴۹ و صافی، ۵ / ۳۸۲ - ۳۸۳)

یادآوری می‌شود که هنگام وفات پیامبر همه فرزندان او جز فاطمه از دنیا رفته بودند، لذا نسل پیامبر از طریق ایشان ادامه یافت و اکنون که - دهه‌های آغازین قرن پانزدهم قمری و اوایل قرن بیست و یکم میلادی - نسل ایشان که به نام «سید» خوانده می‌شود، در بسیاری از کشورها و اکثر شهرهای اسلامی وجود دارد. بسیاری از دانشمندان اسلامی از میان آنان برخاسته‌اند و

برخی سران کشورهای اسلامی افتخار می‌کنند که از نسل آنان هستند. و تعداد آنها بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. ^[۱۱]

در برابر از نسل دشمنان پیامبر اسلام نام و نشانی باقی نمانده است و به این صورت پیشگویی اعجاز آمیز سوره کوثر تحقق یافت. از این رو برخی صاحب نظران یکی از ابعاد اعجاز این سوره را در این می‌دانند که در بردارنده خبر قطعی از غیب است که در نهایت به وقوع پیوست. (معرفت، محمد هادی، التهمید، ۴ / ۶۴)

امام فخر رازی در این مورد می‌نویسد:

«بین چه تعداد از خانواده وی کشته شدند؛ در حالی که عالم از فرزندان رسول خدا پُر است و هیچ کس از خاندان بنی امیه نمی‌تواند با وی در این زمینه برابری نماید و دقت کن که چگونه از نسل پیامبر، علمای بزرگوارى مانند باقر و صادق و کاظم و رضا علیهم السلام و نفس زکیه پدیدار شدند. (مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ۳۲ / ۱۲۴)

بسیاری از مفسران شیعه و اهل

سنت تطبیق کوثر را بر فاطمه پذیرفته‌اند، یا ذکر کرده‌اند، از صحابه و تابعان می‌توان به ابن عباس، ابن جبیر، مجاهد (کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین، ۱۰ / ۳۶۲) هم می‌توان به این افراد اشاره کرد. از مفسران شیعه بسیاری به این مطلب اشاره کرده‌اند، از جمله: علامه محمد حسین طباطبائی، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، (ن. ک. به: المیزان و نمونه ذیل سوره‌ی کوثر و دیگر تفاسیر شیعه، ذیل سوره کوثر) از مفسران اهل سنت هم می‌توان به این افراد اشاره کرد: فخر الدین رازی (به عنوان قول سوم از فاطمه یاد می‌کند)، بیضاوی، (انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۱۵۶، ذیل تفسیر واژه «کوثر» از سوره کوثر) حواشی تفسیر او توسط شیخ زاده (الی شبه علی تفسیر البیضاوی، ۹ / ۳۴۱) و شهاب الدین (حاشیة الشهاب (عناية القاضی)، ۴۰۳)، نیشابوری (به عنوان قول سوم از نسل فاطمه علیها السلام یاد می‌کند) و (نیشابوری، غرائب القرآن، ۶ / ۵۷۶) و نویسندگان روح المعانی

حکایت شده است: یکی از سران مشرکان به نام «عاص بن وائل» هنگام خارج شدن پیامبر از مسجد الحرام، با او ملاقات و صحبت کرد، سپس وارد مسجد الحرام شد و هنگامی که مشرکان از او پرسیدند یا چه کسی صحبت کردی؟ گفت: با این مرد «ابتر» (دم بریده، کسی که پسر ندارد و نسل او قطع شده است)!

سوره فوق بدین مناسبت فرود آمد (سیوطی، جلال الدین، در المثنوی، ۶ / ۴۰۳؛ مجمع البیان، ۱۰ / ۵۴۹؛ اسباب النزول ابی الحسن علی بن احمد النیشابوری / ۲۷۰) و پیامبر یادآوری کرد که ما کوثر (= خیر فراوان) به تو دادیم، پس برای پروردگارت نماز گزار و (شتر) قربانی کن، که فقط (دشمن) کینه تو ز تو بریده نسل است.

البته افراد دیگری همچون ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، کعب بن اشرف، (روح المعانی) ابولهب (حدائق الروح والریحان، ۳۲ / ۳۷۵؛ الجواهر، ۲۵ / ۲۷۶؛ نیشابوری، غرائب القرآن، ۶ / ۵۷) نیز از واژه «ابتر» علیه پیامبر استفاده کردند. از این رو گفته شده است که این سوره

در پاسخ همه آنها، به ویژه عاص بن وائل، نازل شد که بارها این واژه را تکرار می‌کرد. (حدائق الروح والریحان، ۳۲ / ۳۷۵؛ الجواهر، ۲۵ / ۲۷۶؛ نیشابوری، غرائب القرآن، ۶ / ۵۷).

واژه «کوثر» در اصل به معنای «کثرت، عدد زیاد و خیر کثیر» است. (مصباح اللغة، ومقایس اللغة، ماده «کثر» والتحقق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ۱۰ / ۲۷ - ۲۹)

برخی مفسران با توجه به ذیل سوره (ان شانک هو الابتر) آن را به نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله که از فاطمه علیها السلام است، تفسیر کرده‌اند. (مجمع البیان، طبرسی، ۱۰ / ۵۴۹؛ صافی، ۵ / ۳۸۲ - ۳۸۳)

یادآوری می‌شود که هنگام وفات پیامبر همه فرزندان او جز فاطمه از دنیا رفته بودند، لذا نسل پیامبر از طریق ایشان ادامه یافت و اکنون که - دهه‌های آغازین قرن پانزدهم قمری و اوایل قرن بیست و یکم میلادی - نسل ایشان که به نام «سید» خوانده می‌شود، در بسیاری از کشورها و اکثر شهرهای اسلامی وجود دارد. بسیاری از دانشمندان اسلامی از میان آنان برخاسته‌اند و

برخی سران کشورهای اسلامی افتخار می‌کنند که از نسل آنان هستند. و تعداد آنها بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. ^[۱۱]

در برابر از نسل دشمنان پیامبر اسلام نام و نشانی باقی نمانده است و به این صورت پیشگویی اعجاز آمیز سوره کوثر تحقق یافت. از این رو برخی صاحب نظران یکی از ابعاد اعجاز این سوره را در این می‌دانند که در بردارنده خیر قطعی از غیب است که در نهایت به وقوع پیوست. (معرفت، محمد هادی، التهمید، ۴ / ۶۴)

امام فخر رازی در این مورد می‌نویسد:

«بین چه تعداد از خانواده وی کشته شدند؛ در حالی که عالم از فرزندان رسول خدا پُر است و هیچ کس از خاندان بنی امیه نمی‌تواند با وی در این زمینه برابری نماید و دقت کن که چگونه از نسل پیامبر، علمای بزرگوارى مانند باقر و صادق و کاظم و رضا علیهم السلام و نفس زکیه پدیدار شدند. (مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ۳۲ / ۱۲۴)

بسیاری از مفسران شیعه و اهل

سنت تطبیق کوثر را بر فاطمه پذیرفته‌اند، یا ذکر کرده‌اند، از صحابه و تابعان می‌توان به ابن عباس، ابن جبیر، مجاهد (کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین، ۱۰ / ۳۶۲) هم می‌توان به این افراد اشاره کرد. از مفسران شیعه بسیاری به این مطلب اشاره کرده‌اند، از جمله: علامه محمد حسین طباطبائی، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، (ن. ک. به: المیزان و نمونه ذیل سوره کوثر و دیگر تفاسیر شیعه، ذیل سوره کوثر) از مفسران اهل سنت هم می‌توان به این افراد اشاره کرد: فخر الدین رازی (به عنوان قول سوم از فاطمه یاد می‌کند)، بیضاوی، (انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۱۵۶، ذیل تفسیر واژه «کوثر» از سوره کوثر) حواشی تفسیر او توسط شیخ زاده (الی شبه علی تفسیر البیضاوی، ۹ / ۳۴۱) و شهاب الدین (حاشیه الشهاب (عناية القاضی)، ۴۰۳)، نیشابوری (به عنوان قول سوم از نسل فاطمه علیها السلام یاد می‌کند) و (نیشابوری، غرائب القرآن، ۶ / ۵۷۶) و نویسندگان روح المعانی

(روح المعانی، ۳۰ / ۲۴۴)، و اضواء البيان (اضواء البيان، ۹ / ۳۱۲)، تفسير ابی السعود، (تفسير ابی اسعود، ۶ / ۴۷۷) تفهيم القرآن (مودودی، تفهيم القرآن، ۶ / ۴۹۳) و...

ب: شأن نزول آیات

آیات اطعام (نذر در سوره انسان)

سوره انسان (دهر) در مکه نازل شد، اما در چینش کنونی هفتاد و پنجمین سوره است. کل سوره انسان یا آیات ۵ تا ۲۲ آن در مورد فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام است.

خداوند در این آیات می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا... إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾

شأن نزول آیات را چنین حکایت کرده‌اند: علی بن ابی طالب شب تا صبح برای یک باغدار کار کرد و صبح مزدش را گرفت و با آن «جو» خرید. فاطمه هم غذایی آماده کرد که مورد نیاز او بود، ولی همان روز بینوا، یتیم و اسیری به آنها مراجعه کردند و آنها هر بار یک سوم غذای خود را به مراجعان بخشیدند (واحدی نیشابوری، اسباب

النزول، ۲۵۳؛ با اندک اختلاف: البحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۸ / ۱۷۷؛ تفسیر قمی، ۲ / ۳۹۰) و این آیات نازل شد.

برخی علما و مفسران شیعه (صدوق، امالی، ۲۱۲ / ۱۱، با سند خویش از امام باقر علیه السلام البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۸ / ۱۷۹، ح ۸؛ تاویل الایات، ۲ / ۷۵۰، ح ۶ همین روایت از عبد الله بن عباس) و اهل سنت^[۱۲] همین شأن نزول را به این صورت حکایت کرده‌اند:

حسن و حسین علیهم السلام بیمار شدند. پیامبر از آنان عیادت و به علی توصیه کرد برای سلامتی آنان نذر کند. علی، فاطمه و خادمشان فضه نذر کردند که سه روز روزه بگیرند. آنها بعد از سلامتی حسن و حسین روزه گرفتند و غذایی برای افطار تهیه کردند، اما هر بار که خواستند غذا بخورند، بینوا، یتیم و اسیری تقاضای کمک کرد و آنان غذای خود را به مراجعان دادند.^[۱۳]

روز بعد خدمت پیامبر رسیدند و بیک وحی پیام آورد که: ای محمد بگیر این را که خدا مبارک کرده

برای تو و اهل بیت تو. بعد جبرئیل سوره «هل اتی» را تلاوت کرد.

این شأن نزول در شواهد التنزیل حسکانی از نوزده طریق مختلف نقل شده است که یک طریق آن از «عبدالله بن مبارک از یعقوب بن قعقاع از مجاهد از ابن عباس» است، و همه این افراد در رجال اهل سنت توثیق شده‌اند (ن.ک. به: تهذیب الکمال، ۱۰ / ۴۷۳ (عبد الله بن مبارک: امام المسلمین، فقیه، عابد، زاهد و...); همان، ۲۰ / ۴۴۵ (یعقوب بن قعقاع: تفه); همان، ۱۷ / ۴۴۳ (مجاهد بن جبر المکی: تفه) و ابن عباس هم صحابی مشهور است. در نتیجه طریق حدیث صحیح است. سبط ابن جوزی (م: ۶۵۴ ق) (تذکره الخواص، ۲۸۳) و اسماعیل حقی بروسوی (روح‌البیان، ۱۰ / ۳۱۹) (م: ۱۱۳۷ ق) و محمد علی خالدی (صفوة الفرقان و تفسیر القرآن، ۶ / ۸۱۳) هم این حدیث را صحیح دانسته‌اند و آلوسی آن را مشهور شمرده‌است. (روح‌المعانی، ۲۹ / ۱۵۷).

در مورد مکان نزول، بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت آن را

مدنی دانسته‌اند، از جمله: طبری، فخر رازی، سیوطی، زمخشری، بیضاوی، و بسیاری از مفسران جدید. (ن.ک. به: جامع البیان، ۱۴ / ۲۰۲؛ مفاتیح الغیب، ۳۰ / ۲۳۵؛ لباب التقول، ۳۲۲؛ کشاف، ۴ / ۶۶۵؛ تفسیر البیضاوی، ۲ / ۵۵۱؛ تفسیر مراغی، ۲۹ / ۱۵۹؛ زیدة التفسیر، ۷۸۱ و الجواهر فی تفسیر القرآن، ۱۲ / ۳۱۸)، حتی برخی در مورد مدنی بودن آن ادعای اجماع کرده‌اند. (حجازی، محمود، التفسیر الواضح، ۲۹ / ۱۳۸) و برخی مفسران، مدنی بودن آن را صحیح‌تر دانسته‌اند. (وهبة الزحیلی، التفسیر الوسیط، ۳ / ۳۷۸۸)

ج: جری و تطبیق آیات بر فاطمه علیها السلام

در برخی احادیث که ذیل آیات حکایت شده است، فاطمه علیها السلام را یکی از مصادیق یا بارزترین مصداق آیه معرفی کرده‌اند، در حالی که مطالب آیه منحصر به ایشان نیست. در این جا برخی از آن موارد را بیان می‌کنیم. ذیل آیه «وجوه یومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة» (عبس / ۳۹ - ۳۸). حسکانی با اسناد از انس بن مالک حکایت کرده است: از پیامبر در

مورد این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: «ای انس، آن چهره‌های ما فرزندان عبدالمطلب است، من و علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه که از قبرهایمان بیرون می‌آییم و نور چهره‌هایمان چون آفتاب تابناک است.» (شواهد التنزیل، ۲ / ۳۲۴).

روشن است که طبق این حدیث فاطمه از مصادیق بارز آیه است، اما چهره‌های نورانی و خندان در رستاخیز منحصر در این افراد نیست و بسیاری از افراد دیگررا شامل می‌شود.

د: تأویل و بطن آیه در مورد فاطمه عليها السلام

همان طور که گذشت گاهی تأویل آیه رهیافتی به باطن آن است، به عبارت دیگر به وسیله قرینه نقلی همچون حدیث معصوم، از ظاهر آیه می‌گذریم و به باطن آیه می‌رسیم. در این مورد نیز مفسران، آیات متعددی در مورد فاطمه برشمرده‌اند. که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

در مورد آیه «أنا انزلناه فی لیلہ مبارکه» (دخان / ۳) کلینی با سند

حکایت می‌کند که شخصی خدمت ابوالحسن رسید و از معنای باطنی آیه پرسش کرد و حضرت پاسخ داد: مقصود از «شب مبارک» فاطمه است. (کافی، ۱/ ۴۷۹؛ بحارالانوار، ۸۸/۱۶ و ۳۱۹/۲۴ و ۸۷/۴۸؛ البرهان، ۴/ ۱۵۸؛ تاویل الایات، ۲/ ۵۷۳؛ کنز الدقائق، ۹ / ۳۸۹)

و نیز ذیل آیه «أنا انزلناه فی لیلہ القدر» (قدر/ ۱) از امام صادق حکایت شده است که مقصود از شب قدر، فاطمه است و هر کس فاطمه عليها السلام را بشناسد، به طوری که حق معرفت او به جا آورده شود، در حقیقت شب قدر را درک کرده است (تفسیر فرات کوفی، ۲۱۸). مشابه این مضمون در حدیث دیگری آمده است. (تأویل الایات الظاهرة، ۷۹۲)

ظاهر آیات بالا سخن از شب قدر است که در ماه مبارک رمضان واقع شده و قرآن در آن نازل شده است (شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن بقره / ۱۶۵)). اما با توجه به احادیث بالا ظاهر آیه تأویل می‌شود و روشن می‌گردد که مقصود باطن آیه، فاطمه است، البته ظاهر و باطن

آیه هر دو به قوت خود باقی است و همدیگر را نفی نمی‌کنند، بلکه ساحتها و لایه‌های مختلف قرآن کریم هستند.

می‌توان گفت معنای آیه، با توجه به روایات، توسعه داده می‌شود و روشن می‌گردد که ظرف نزول قرآن، مبارک است. این ظرف گاهی ظرف زمانی است که همان شب قدر است و قرآن صامت در آن نازل شد و گاهی ظرف مکانی است و وجود پربرکت فاطمه است و قرآنهای ناطق - امامان معصوم - از طریق او یا به عرصه وجود گذاشتند. از این رو هر کس فاطمه را به صورت کامل بشناسد، حقیقت شب قدر را شناخته است؛ چرا که امامت که ادامه نبوت و مفسر قرآن است، از طریق ایشان استمرار می‌یابد. پس هر کس فاطمه و فرزندان او را بشناسد، معانی حقیقی قرآن را شناخته است که همان حقیقت نزول قرآن در شب قدر است.

در مورد مشابهت فاطمه با شب قدر، توجهات متعددی شده است، از جمله:

۱) فاطمه همچون شب قدر است که یکی بیشتر نیست.

۲) شب قدر مبارک است و یکی از نامهای فاطمه هم مبارک است (همانطور که وجود او پر برکت است).

۳) شب قدر حجاب الله است، فاطمه نیز همان گونه که در حدیث آمده، حجاب الله است. (بحار الانوار، ۲۲ / ۴۷۷)

۴) شب قدر مبدأ خیرات است و فاطمه نیز مبدأ خیرات و افاضات ربانی است.

۵) امور در شب قدر مقدر می‌شود، درجات مردم نیز به ولایت فاطمه مقدر می‌شود. (ن.ک. به: موبد، علی حیدر، فضائل فاطمة الزهرا فی الذکر الحکیم، ۶ - ۴۸۵ «ایشان چهارده وجه بیان کرده است.»)

ه: آیات و روایات فضائل فاطمه عليها السلام

برخی آیات به طور مستقیم مربوط به فاطمه نیست، اما در ذیل آنها روایاتی حکایت شده است که به نوعی فضیلت فاطمه را بیان می‌کند، از جمله:

در برخی تفاسیر ذیل آیه نجوی (مجادله / ۱۲) از ابن عمر چنین

حکایت شده است: «برای علی - رضی الله عنه - سه چیز بود که اگر یکی از آنها برای من بود، بهتر از داشتن شتران سرخ مو بود؛ ازدواجش با فاطمه، اعطای پرچم به او در روز خیبر و آیه نجوی» (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۷ / ۳۰۲)^{۱۱۱} نسائی مشابه این مطلب را از سعد بن ابی وقاص حکایت کرده است. (ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب النسائی، خصائص امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب، ص ۳۲، ص ۱۱۶).

این مطلب بر فضیلت و عظمت فاطمه دلالت دارد که ازدواج با او افتخاری بزرگ برای صحابیان به شمار می‌آمد، از این رو نسبت به علی غبطه می‌خوردند.

در تفسیر آیه ۱۵۳ / آل عمران - مربوط به جنگ احد - نیز حکایت شده است که فاطمه روز احد در صحنه جنگ حاضر شد و بر زخمهای پیامبر مرحم گذاشت و از ایشان پرستاری کرد. (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱ / ۴۲۶؛ صحیح مسلم، کتاب الجهاد، باب ۵) این مطلب نیز بر عظمت، شجاعت و دلسوزی فاطمه دلالت دارد، زیرا مسلمانان در جنگ احد شکست خوردند و همان طور که از آیه بالا استفاده می‌شود، برخی از صحنه نبرد فرار کردند، اما فاطمه در آن صحنه حاضر شد و به پرستاری پیامبر پرداخت.

منابع مقاله اصلی:

منابع اصلی: ابوالفتح رازی، روح؛ ابن الجوزی، زاد؛ کاشانی، منهاج؛ رازی، تفسیر، طبری، تفسیر.

منابع فرعی: امیر معزی وجی کالمارد، فاطمه، دختر حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دائرة المعارف ایرانیکا، ج ۹، صص ۴۰۴ - ۴۰۰؛ بیوگرافی فاطمه الزهراء؛ زنان و انقلاب در ایران، ۱۹۸۳، صص ۹۶ - ۸۷ و....

توضیحات:

[۱] الذر المثور، ۶ / ۶۰۶ و تفسیر مراغی، ۲۴ / ۷. در حدیث دیگری از انس بن مالک مدت این کار را شش ماه حکایت کرده‌اند (جامع البیان، ۱۲ / ۶). در حدیثی از ابی برزه هفده ماه (مجمع الزوائد، ۹ / ۱۶۹)، از ابی الحمراء هشت ماه و از ابوسعید الخدری چهل روز حکایت شده است (ابن مردویه، مناقب علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام، ۵ - ۳۰۴). این تفاوت زمانی طبیعی است، چون ممکن است برخی از روایان کمتر یا زیادتر شاهد کار

پیامبر بوده‌اند.

[۲] از روایان دیگر همچون ابودرداء، ابی الحمراء، ابی برزه، ابی لیلی، براء بن عازب، ثوبان (غلام پیامبر) زید بن ارقم، زید بن خارجه (غلام پیامبر) صبیح (غلام ام سلمه) صفیه بنت شیبه، عبدالله بن جعفر طیار، عمر بن ابی سلمه، عطیه، معقل بن یسار، وائله ی بن اسقع، نیز حکایت شده است، (ن.ک. به: جامع البیان، ۱۲ / ۸ - ۶؛ شواهد التنزیل، ۲ / ۱۰ - ۹۲؛ المناقب، خوارزمی، ۲۲۴؛ ابی الحاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۹ / ۳۱ - ۳۲؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۳ / ۴۹۵؛ منابع الموده، ۱ / ۷ - ۱۲۶؛ ابن مردویه، مناقب علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام، ۳۰۳؛ فتح القدر، ۴ / ۳۳۹؛ تفسیر المراغی، ۲۴ / ۷؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام) ۲ / ۴۴۰؛ مجمع الزوائد، ۹ / ۱۷۳؛ مشکل الآثار، ۱ / ۲۲۷؛ صحیح مسلم، ۱۵ / ۲۰۳؛ المستدرک، ۳ / ۱۴۸ و آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، سیدعلی موحد ابطحی، ۱ / ۷۹ - (۲۷).

[۳] علامه طباطبائی معنای اراده

تشریحی را مناسب این مقام (که پیامبر صلی الله علیه و آله داخل... طلبان است) نمی‌داند. پس بر غیر اراده تشریحی دلالت دارد. (المیزان، ۱۶ / ۳۱۳).

[۴] اراده به دو قسم تکوینی (اراده ایجاد چیزی در خارج) و تشریحی (اراده بر اساس وضع قوانین) تقسیم می‌شود. در این جا مقصود اراده تشریحی نیست، چون:

اولاً: اراده تشریحی به فعل دیگران تعلق می‌گیرد و در این جا اراده‌ی زدودن پلیدی، به وجود اهل بیت تعلق گرفته است.

ثانیاً: زدوده شدن پلیدیها به صورت تشریحی مخصوص اهل بیت نیست، بلکه خواست تشریحی خدا نسبت به همه انسانها است و اگر اراده تشریحی باشد، مدحی برای اهل بیت نیست، در حالی که زبان آیه زبان مدح است.

[۵] همچون: شراب، قمار، بت، چوبه‌های قرعه (مانده ۹۰/ مردار، خون، گوشت خنزیر (انعام ۱۴۵/ بیماری نفاق (توبه ۱۲۵/ کفر (یونس ۱۰۰/ گمراهی (انعام ۱۲۵/

[۶] این مطلب خود قرینه

دیگری است که آیه تطهیر شامل همسران پیامبر نمی‌شود چون آنان معصوم نبودند.

[۷] ایشان از تفسیر طبری (۲۲ / ۶-۸) حکایت می‌کند که اهل بیت در آیه تطهیر در مورد فاطمه، علی بن ابی‌طالب و پسرانش حسن و حسین علیهم السلام است، ولی از تفسیر زاد ابن الجوزی (۶ / ۳۸۱) از عکرمه حکایت می‌کند که مراد از اهل بیت همسران پیامبر هستند (دائرة المعارف قرآن، مقاله «فاطمه عليها السلام»، ۲ / ۱۹۳-۱۹۲، جین دمن مک اولیف)، البته آقای علی آسانی در مقاله «خاندان پیامبر» همان دائرة المعارف، (۲ / ۷-۱۷۶) نیز آیه تطهیر (۳۳ / احزاب) را از قول برخی مفسران در مورد قبیله پیامبر، یا طایفه بنی هاشم معرفی می‌کند و از قول شیعیان می‌نویسد که بر اساس گزارشات تاریخی آیه در مورد فاطمه، علی و حسن و حسین علیهم السلام است... (ENCCIOPAEDIA OF THE QURAN_EQ)

[۸] روایات دیگری نیز از عروة بن زبیر حکایت شده است (الذکر

المنثور، ۶ / ۶۰۳) و از سعید بن جبیر (نیشابوری، اسباب النزول، ۶ - ۲۹۵) و مقاتل بن سلیمان (تفسیر مقابل بن سلیمان) و ابو کریب از خالد بن مخلد (جامع البیان، ۱۲ / ۸) نقل شده که مضمون روایت عکرمه است. علاوه بر آنکه عروة بن زید از مأموران معاویه در بدگویی نسبت به علی عليه السلام است (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۴ / ۹-۶۳) و مقاتل بن سلیمان کذاب شمرده شده است (تهذیب الکمال، ۱۸ / ۸ - ۳۴۷) و طریق سعید بن جبیر به خاطر وجود عکرمه و ابویحیی الحمانی ضعیف است (تهذیب التهذیب، ۶ / ۱۱۰؛ تهذیب الکمال، ۱۱ / ۶۱) و روایت ابوکریب از خالد بن مخلد و موسی بن یعقوب است که هر دو جاعل حدیث و ضعیف شمرده شده‌اند (تهذیب التهذیب، ۳ / ۸ - ۱۰۷) و نیز از وائله نقل شده که خودش را از اصحاب کساء معرفی کرده است (جامع البیان، ۱۲ / ۷) ولی او را از مذاحان معاویه در شام شمرده‌اند و در طریق حدیث او شداد ابو عمار

غلام معاویه است که از دشمنان علی بوده و به او دشنام می‌داد (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۳ / ۹۲).

[۹] از جمله راویان: علی بن ابی طالب عليه السلام، حسن بن علی عليه السلام، حسین بن علی، محمد بن علی الباقر عليه السلام، جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، موسی بن جعفر الکاظم، ابن عباس، جابر بن عبدالله، سعد ابی وقاص، حدیفة بن یمان، ابن رافع غلام پیامبر، عثمان بن عفان، طلحة بن عبدالله، زبیر بن العوام، عبدالرحمن بن عوف، براء بن عازب، انس بن مالک، بکر بن مسمار، منکدر بن عبدالله، حسن بصری، قتاده، سدی، ابن زید، علباء بن احمد الشکری، زید بن علی، مقاتل، کلبی، شعبی، یحیی بن یعمر، مجاهد بن خیر مکی، شهر بن حوشب، ابی‌طفیل عامر بن وائل، جریر بن عبدالله سجستانی، ابن اویس مدنی، عمر و بن سعید ابی معاذ، ابی‌البختری، ابن سعید سلمة بن عبد شیوع، عامر بن سعد (ن. ک. به: الصواعق المحرقة، ۱۵۶؛ سعد السود، ۱۸۳؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ۲ / ۶۶۷؛ نهایه الارب، ۸ /

۱۷۳؛ الدرالمشور، ۲ / ۳ - ۲۳۲؛ زاد المیسر، ۱ / ۳۲۴؛ الغانی، ۱۲ / ۷؛ تفسیر ابن کثیر، ۱ / ۳۷۹؛ تفسیر طبری (جامع البیان) ۳ / ۳۰۱؛ المحرر الوجیز، ۱ / ۴۴۷؛ آلوسی، روح المعانی، ۳ / ۱۶۸؛ اسباب النزول، واحدی نیشابوری، ۵۶-۵۷. و از تفاسیر شیعه: ن. ک. به: تفسیر عیاشی، ۱ / ۳۰۰ صافی، ۱ / ۳۴۳ و تفاسیر دیگر، ذیل آیه).

[۱۰] برخی مفسران احتمال داده‌اند که این سوره در مدینه نازل شده باشد، یا یک بار در مکه و یک بار در مدینه نازل شده باشد، اما روایات شأن نزول آن، مؤید مکی بودن سوره است. (ن. ک. به: نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۸ و...)

[۱۱] این آمار به طور شفاهی در برخی همایشها توسط آیت الله جعفر سبحانی در سال ۱۳۸۱ ش بیان شد، ولی آمار مستندی در این مورد نیافتیم، البته با توجه به کثرت نسل سادات در ایران و کشورهای اسلامی صحت چنین رقمی بعید به نظر نمی‌رسد.

[۱۲] زمخشری (م: ۵۳۸ ق)

کشاف، ۴ / ۶۵۵؛ تعلبی (م: ۴۲۷ ق) الکشف و البیان ۱۰ / ۹۸؛ ابن عبد ربه اندلسی (م: ۳۲۸ ق) العقد الفرید، ۵ / ۸۰ - ۷۹؛ قشیری (م: ۴۶۵ ق) تفسیر القشیری، ۳ / ۳۷۵؛ حسکانی (م: ۴۷۱ ق) شواهد التنزیل، ۲ / ۳۰۰؛ فخر رازی (م: ۶۰۴ ق) تفسیر کبیر مفاتیح الغیب، ۳۰ / ۲۴۴؛ ابن اثیر (م: ۶۳۰ ق) اسد الغابه، ۵ / ۵۳۰؛ قرطبی (م: ۶۷۱ ق) الجامع لاحکام القرآن، ۱۹ / ۱۳۰؛ ابن حیان اندلسی، (م: ۷۴۵ ق) البحر المحیط، ۸ / ۳۹۵؛ بیضاوی (م: ۷۹۱ ق) تفسیر البیضاوی، ۲ / ۵۵۳.

[۱۳] در برخی احادیث آمده است: سه روز روزه گرفتند و هر روز یک نفر آمد و آنها غذای خود را به آنان دادند (البرهان، ۸ / ۱۷۹ - ۱۸۲).

[۱۴] آیه نجوی به مسلمانان دستور می‌دهد هنگام ملاقات خصوصی با پیامبر صدقه بدهند، این آیه بعداً نسخ گردید، ولی تنها کسی که بدان عمل کرد، علی بود. (ن. ک. به: تفاسیر شیعه و اهل سنت ذیل آیه)

منابع ناقد

۱. آل عقده، خالد، جامع التفسیر من کتب الاحادیث، دارطیبه، ریاض، ۱۴۲۱ هـ
۲. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، انتشارات جهان، تهران، بی‌تا.
۳. ابطنی، موحد، آیه التظہیر فی احادیث الفرقین، مؤلف، قم، ۱۴۰۵ هـ
۴. ابن بطریق، یحیی بن الحسن، العمدة، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷.
۵. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۷ م.
۶. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسیر القرآن العظیم، المکتبة العصریة، بیروت، ۱۹۹۹ م.
۷. ابن اثیر، عزالدین علی، اسد الغابه فی معرفة الصحابة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۸. ابن جوزی، عبدالرحمن، الموضوعات، دارالفکر، بیروت، ۲۰۰۱ م.
۹. همو، زادالمسیر، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۱ م.
۱۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، نشر وزارت ارشاد، تهران، ۱۴۱۶ ق، ج اول.
۱۱. اسماعیل زاده، ایلغار، تفسیر تطبیقی آیه تطہیر (از دیدگاه اهل بیت و اهل سنت)، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. ابوالفتوح رازی، روض الجنان وروح الجنان.
۱۳. ابن تیمیہ، احمد، منهاج السنة النبویة،

- مکتبة ابن تیمیہ، قاهرة، ۱۹۹۸ م.
۱۴. مغنیہ، محمد جواد، التفسیر الکاشف.
 ۱۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تحقیق لجنة من أساتذة النجف الاشرف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق - ۱۹۵۶ م.
 ۱۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، دارالکتب العربیة، بیروت، بی‌تا.
 ۱۷. ابن مرویه، احمد، المناقب، درالحدیث، قم، ۱۳۸۰ ق.
 ۱۸. ابن مغزالی، علی، مناقب، المکتبة الاسلامیة، تهران، ۱۴۹۴ هـ
 ۱۹. ابن منظور، محمد، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ هـ
 ۲۰. الأربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، دارالأضواء، بیروت.
 ۲۱. ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
 ۲۲. احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۹۸۳ م.
 ۲۳. احمد بن حنبل، مسند ابن حنبل، دار صادر، بیروت.
 ۲۴. اصفهانی، زاغب، المفردات، ذوالقربی، ۱۹۹۶ م.
 ۲۵. اندلسی، ابن حیان، البحر المحیط، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۳ م.
 ۲۶. اندلسی، ابن عطیة، المحرر الوجیز، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۶ م.
 ۲۷. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۹ م.
 ۲۸. همو، غایة الغرام، وحجة الخصام،

موسسه تاریخ العربی. بیروت، ۲۰۰۱ م.
 ۲۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱ م
 ۳۰. بروسوی، اسماعیل حقی، تفسیر روح البیان، دارالتراث العربی. بیروت، ۲۰۰۱ م.
 ۳۱. الترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی (جامع الصحیح)، تحقیق عبد الوهاب عبداللطیف، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج دوم.
 ۳۲. جوهری، ابن طظاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، دارالفکر، بیروت.
 ۳۳. جوهری، اسماعیل، الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷ م.
 ۳۴. جویباری، یعقوب الدین رستگار، تفسیر البصائر، المطبعة الاسلامیة، قم، ۱۳۵۷ ش.
 ۳۵. حجتی، دکتر محمد باقر، اسباب النزول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش.
 ۳۶. حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، موسسه الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰ م، ج اول.
 ۳۷. بغوی، ابن ابی محمد حسین، معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل. دارالفکر، بیروت، ۲۰۰۲ م.
 ۳۸. بیضاوی، ناصر الدین، تفسیر البیضاوی، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۶ م.
 ۳۹. تفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، تحقیق و نشر مدرسة الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹، ج اول.
 ۴۰. ثعلبی، احمد، تفسیر الکشف والبیان، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰۰۲ م.
 ۴۱. حویزی، عبد علی، نور الثقلین. موسسه

التاریخ العربی، بیروت، ۲۰۰۱ م.
 ۴۲. الخراز القمی، ابی القاسم علی بن محمد، کفایة الاثر، تحقیق السید عبداللطیف الحسینی، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱.
 ۴۳. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، بی تا.
 ۴۴. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۲۰۰۰ م.
 ۴۵. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، دار المعرفه، بیروت، ۱۹۸۷ م.
 ۴۶. ذهبی، احمد، دیوان الضعفا والمتروکین، دار القلم، بیروت، ۱۹۸۸ م.
 ۴۷. همو، میزان الاعتدال، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۷۷ م.
 ۴۸. همو، همان، دار الفکر، بیروت، بی تا.
 ۴۹. رازی، عبدالرحمن، کتاب الجرح والتعدیل، دارالکتب العلمیه، بیروت.
 ۵۰. رازی، فخر الدین، تفسیر الفخر الرازی (تفسیر الکبیر، مفاتیح الغیب)، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۵ م.
 ۵۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (درس نامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن)، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲ ش.
 ۵۲. زحیلی، وهبه، تفسیر المنیر (فی العقیده والتشریح والمنهج)، دارالفکر، دمشق، ۱۹۹۱ م.
 ۵۳. زمخشری، محمود، الکشاف، عن حقائق غوامض التنزیل، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
 ۵۴. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، موسسه اهل بیت، بیروت، ۱۹۸۱ م.

۵۵. سید بن طاووس، الطراف، الخیام، ۱۳۹۹، ج اول.
 ۵۶. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۳ م.
 ۵۷. همو، الدر المنثور فی اسباب النزول، دار المعرفه، بیروت، ۱۹۹۸ م.
 ۵۸. شتیفی، محمد امین، اضواء البیان فی اسباب النزول، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۹۸ م.
 ۵۹. شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۹ ش.
 ۶۰. الحسینی شرف الدین، تاویل الآیات الظاهره، مدرسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۷ - ۱۳۶۶ ش، ج اول.
 ۶۱. صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، انتشارات فرهنگي اسلامي، تهران، ۱۰۴۶ هـ ق.
 ۶۲. صدوق، ابی جعفر، الامانی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.
 ۶۳. همو، عیون الاخبار الرضا، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.
 ۶۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، مشورات جماعة المدرسین فی قم المقدسه، ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲ ش.
 ۶۵. همو، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹ - ۱۳۳۸ ش.
 ۶۶. همو، کمال الدین، تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ - ۱۳۶۳ ش.
 ۶۷. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

۶۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمادی عبدالمجید السلفی، داراحیاء التراث العربی، ج دوم.
 ۶۹. همو، المعجم الاوسط، تحقیق بدارالحرمین، دارالحرمین، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.
 ۷۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق السید محمد الخراسان، دارانعمان، النجف الاشرف، ۱۳۸۶ ق، ۱۹۶۶ م.
 ۷۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۸۸ م.
 ۷۲. طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۸ م.
 ۷۳. طوسی، ابن جعفر محمد بن حسن، الأمالی، تحقیق موسسه البعثة، دارالثقافه، قم، ۱۴۱۴ ق، ج اول.
 ۷۴. طوسی، محمد، الثبایان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
 ۷۵. عسقلانی، احمد ابن حجر، تهذیب التهذیب، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۴ م.
 ۷۶. همو، لسان المیزان، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۵ م.
 ۷۷. العلامة الحلی، کشف الیقین، تحقیق حسین الدرگامی، ۱۴۱۱، ج اول.
 ۷۸. عمادی، محمد تفسیر ابن السعود ارشاد العقل السلیم الی مزایا کتاب الکریم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۹ م.
 ۷۹. عیاشی، محمد تفسیر العیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا.
 ۸۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام، القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

٨١. قشيري، عبدالكريم، تفسير القشيري المسمى بلطائف الاشارات، دارالكتب العلمية، بيروت، ٢٠٠٠م.

٨٢. قمى، على، تفسير القمى، مطبعة النجف، ١٣٨٧.

٨٣. قندوزى، سليمان، يتايح المودة، منشورات مكتبة بصيرتى، قم، ١٩٦٦م.

٨٤. كاشانى، فتح الله، تفسير منهج الصادقين، انتشارات كتابفروشى علميه اسلامية، تهران، بى تا.

٨٥. كاشانى، فيض، تفسر الصافى، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٩٨٢م.

٨٦. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، دارالكتب الاسلامية، تهران، ١٣٨٨ هـ ق.

٨٧. الكوفى محمد بن سليمان، مناقب الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، تحقيق الشيخ محمدباقر المحمردى، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، قم المقدسة، ١٤١٢، ج اول.

٨٨. كوفى، فرات، تفسير الفرات الكوفى، موسسه الطبع والنشر التابعة للوزارة الثقافة والارشاد الاسلامى، تهران، بى تا.

٨٩. مجلسى، محمد باقر، بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٩٨٣م.

٩٠. محمد بن سوره، سنن الترمذى، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٤م.

٩١. محمد رشيد رضا، تفسير المنار تفسير القرآن الحكيم، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٩٩٩م.

٩٢. مراغى، احمد، تفسير المراغى، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٩٨٥م.

٩٣. مزى، يوسف، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٤م.

٩٤. مشهدى، محمد، تفسير كنز الدقائق وبحر الغرائب، مؤسسة الطبع والنشر للوزارة الثقافة، تهران، ١٩٩١م.

٩٥. معرفت، محمد هادى، التفسير الاثرى الجامع، مؤسسة التمهيد، قم، ٢٠٠٤م.

٩٦. همو، التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب، منشورات الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية، مشهد، ١٤١٨ هـ ق.

٩٧. همو، التمهيد فى علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ١٤١١ هـ ق.

٩٨. مفيد، محمد بن النعمان، الامالى، تحقيق حسين الاستاد ولى، على اكرغفارى، دارالمفيد، لبنان، بيروت، ١٤١٤ - ١٩٩٣م، ج دوم.

٩٩. مقاتل بن سليمان، تفسير مقاتل بن سليمان، داراحياء التراث العربى، ٢٠٠٢م، بى جا.

١٠٠. مودودى، ابوالاعلى، تفهيم القرآن، لاهور، ترجمان القرآن، ١٩٩٣م.

١٠١. ميبدى، رشيد الدين، كشف الاسرار و عدة الابواب (تفسير خواجه عبدالله انصارى)، انتشارات اميركبير، تهران، ١٣٧٦ ش.

١٠٢. نسائى، احمد بن شعيب، سنن النسائى، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٥م.

١٠٣. همو، خصائص اميرالمؤمنين، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١٩ هـ ق.

١٠٤. نيشابورى، حاكم، المستدرک على الصحيحين، دارالمعرفة، بيروت، بى تا.

١٠٥. نيشابورى، مسلم، صحيح مسلم، دارالفكر، بيروت - لبنان.

١٠٦. نيشابورى، نظام الدين، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٩٩٦م.

١٠٧. واحدى، ابى الحسن على، اسباب النزول، مؤسسة الحلبي، القاهرة، ١٣٨٨ ق، ١٩٦٨م.

١٠٨. هيشمى، نور الدين، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الكتاب العربية، بيروت، ١٩٩٨م.

١٠٩. جين دمن مك اوليف، دائرة المعارف قرآن، مقاله فاطمة عليها السلام Encyclopedia of the quran _ EQ. Fatima, Gane Dammen Mc Auliffre

١١٠. رضايى اصفهانى، محمد على، درآمدى بر تفسير علمى قرآن، انتشارات اسوه، قم، ١٣٧٥ ش.

١١١. سيوطى، جلال الدين، الاتقان فى علوم القرآن، دار ابن كثير، بيروت، ١٤١٤ ق.

١١٢. رجبى و ديگران، روش شناسى تفسير، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، ١٣٧٩ ش.

١١٣. ذهبى، محمد حسن، التفسير والمفسرون، دارالقلم، بيروت، بى تا.

١١٤. شاکر محمد كاظم، مبانى و روش هاى تفسيرى، انتشارات مركز جهانى علوم اسلامى.

١١٥. محقق، محمد باقر، نمونه بينات در شأن نزول آيات، انتشارات اسلامى، تهران، بى تا، ج بنجم.

١١٦. انصارى، زنجانى خويندى، اسماعيل، فاطمه در آيينه كتاب.

١١٧. سند، محمد، مقامات فاطمة الزهراء فى الكتاب و السنة.

١١٨. حلوى، سيد محمد على، ما نزل من القرآن فى شأن فاطمة الزهراء.

١١٩. شيرازى، سيد صادق، فاطمة الزهراء فى القرآن.

١٢٠. على حيدر، فضائل فاطمة من الذكر الحكيم، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٠ ش.